

حقیقت علم

در رویکرد تعلیمی و تزکیه‌ای

حسینعلی رضائی، عضو هیات‌علمی دانشگاه امام حسین(ع): در تعلیم عموماً عقل در حد مفهوم‌ساز و مفهوم‌یاب متوقف می‌شود، درحالی که در تزکیه عقل قابل درک معنا بجا‌هو معنا خواهد شد. دیگر معنا الزاماً در قالب کلمه و مفهوم قرار نخواهد گرفت و هویتی دومراتبی به خود می‌گیرد. همچنان‌که در رجوع به آیات قرآن که از منبع نور «الله نورالسموات والارض» ساطع بر قلب نازنین حضرت(ع) می‌شود و در تفسیر، تعبیر یسا تاویل برای رسیدن به اول معنای مراد واضح کلام؛ همچون «راسخون فی‌العلم» در سیر تزکیه‌ای فکر حرکت کرده و به حقیقت علم نورانی نائل می‌شود و شاید ساده بیان کنیم که حقیقت علم در رویکرد تعلیمی انسان را به رابطه‌ای عرضی نسبت به حقایق برساند، در حالی که در رویکرد تزکیه‌ای انسان را به رابطه طولی و تشکیکی از علم رهنمون می‌سازد.

جمهوری اسلامی بیشتر نهضت است تا نظام

سیدجواد طاهایی: جمهوری اسلامی در ماهیت خود بیشتر یک جنبش اجتماعی است تا دولت و بیشتر نهضت است تا نظام. نقش مردم در نظام هیچ‌گاه صوری نخواهد شد و به‌روندها و نهادها و عادات تقلیل نخواهد یافت. جمهوری اسلامی هیچ‌گاه یک دموکراسی مدرن لیبرال نخواهد شد و همواره چهره یک جمهوری آزاد باستانی را حفظ خواهد کرد. شورش‌ها بخشی از جمهوری اسلامی است، در همان معنا که پرسشگری‌ها بخشی از جمهوریت است.



کارشناسان در نشست اقتصاد سرمایه‌داری و عدالت اجتماعی درمورد سیاست‌های اقتصاد بازار هشدار دادند

اختاپوس نئولیبرالیسم!



از راست: حسین راغفر و عبدالحسین کلانتری

فرهیختگان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران میزبان نشست «اقتصاد سرمایه‌داری و عدالت اجتماعی» بود. حسین راغفر، استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا و عبدالحسین کلانتری، استاد دانشگاه تهران در این نشست به سخنرانی پرداختند.

از دیدگاه نئولیبرال‌ها دواي فقر «مرگ» است

حسین راغفر با اشاره به نابرابری به‌عنوان یکی از عوامل بروز فقر، تحقق عدالت اجتماعی را یکی از اهداف انقلاب اسلامی عنوان کرد و نسبت به سطح فقر و نابرابری در جامعه کنونی ایران هشدار داد. راغفر با بیان اینکه فقر و نابرابری در جامعه ایران، به مرحلهی فراتر از وضعیت هشدار رسیده است، گفت: «انحرافات بزرگی به واسطه تأثیرات اقتصادی و اجتماعی نئولیبرال‌ها در جامعه شکل گرفته است که شاید تا چند سده آثار آن پابرجا بماند. از دیدگاه نئولیبرال‌ها راه‌حل توسعه و دواي فقر «مرگ» است. سیاست‌های نئولیبرالی که امروز در جامعه ما حاکم است، بعد از جنگ، مسئول اصلی تمام بدبختی‌های کشور است. ریشه تمام بدبختی‌های کشور در این نگاه به برنامه و مدیریت اقتصادی کشور است که نتیجه این سیاست‌ها، بازاری شدن جامعه است. مکانیسم بازار یک سازوکار توزیعی است. بسیاری از جاها خوب کار می‌کند و یک جاهایی هم کار نمی‌کند.»

نابرابری و فقر، پاشنه آشیل کشور

استاد دانشگاه الزهرا نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و فقر مزمن را پاشنه آشیل کشور توصیف کرد و ابراز داشت: «ممکن است در یک جامعه فقر باشد اما نابرابری کم باشد؛ این جامعه

زمینه ایجاد بحران اجتماعی ندارد؛ چون وضعیت مردم مانند هم است. در این جوامع نگرانی وجود ندارد، اما در جامعه‌ای که هم فقر و هم نابرابری زیاد باشد، چنین مسأله‌ای محرک بسیاری از ناپسا‌مانی‌های اجتماعی است.» وی با بیان اینکه مسأله سرمایه‌داری بی‌عدالتی را در خودش به وجود می‌آورد، ادامه داد: «نظام سرمایه‌داری پذیرفته است که افراد زیادی به‌عنوان قربانی وارد بازار شوند و برای رفع آن به ناچار باید رقابت کنند، صرف‌نظر از چه نوع لیبرالیسم و سرمایه‌داری که داریم، همگی آنها بر استقلال فرد متفق‌القول هستند؛ اینکه وطن‌فروشی کند، حق رأی اش را بفروشد.»

ورود به سازوکار بازار مانند قمار است

راغفر با بیان اینکه بازار بر اصل عمل متقابل کار می‌کند، افزود: «یکی از کارکردهای بازار بخت و شانس است و هر کسی وارد آن شود به ناچار در این بازی بخت گرفتار می‌شود که به نفع عده و به ضرر عده‌ای دیگر است، ورود به بازار مانند قمار است که اشکال آن این است که اگر اختلافات و نابرابری‌ها زیاد شود، بسیار هولناک خواهد بود،

برای شکستن این ساختارها نیازمند اصل دیگری به نام اصل عمل متقابل جمعی هستیم، یعنی نقش اجتماع و جمع فراتر از نیاز بازار است.»

این استاد دانشگاه خصیصه بازار را بخت، تصمیم غلط و تخصیص

منابع برشمرد و گفت: «انسجام اجتماعی می‌تواند به شکل‌گیری یک جامعه عادلانه کمک کند، در واقع همگرایی جمعی منجر به انسجام اجتماعی می‌شود، از این طریق سرمایه اجتماعی فرد را می‌توان در نظر گرفت، درحالی که نظام سرمایه‌داری مبتنی بر روابط بازار است که برای دفع آن نیازمند اصل برابری و عمل متقابل جمعی هستیم.» راغفر در پایان با اشاره به ضرورت بررسی ریشه‌های اصلی فقر و نابرابری در ایران گفت: «ریشه اصلی فقر و نابرابری فساد است و اگر بخواهیم فساد را درست تحلیل کنیم، حتما باید به رابطه دولت و بخش خصوصی و سیاست‌هایی که این دو را با هم مرتبط می‌کند، توجه کنیم.»

یکه‌تازی نظام اقتصادی سرمایه‌داری

عبدالحسین کلانتری، کارشناس مسائل اقتصادی و استاد دانشگاه تهران هم در این نشست با بیان اینکه منطق نظام سرمایه‌داری انباشت سرمایه است، گفت: «این نظام در اقتصاد کشور درحال گسترش است و کسی جلودار آن نیست. این نوع نگاه در محیط زیست، آموزش و پرورش، سلامت، مدیریت، جراحی چشم و... سرایت کرده و تبدیل به یک نظام افسارگسیخته شده است.» کلانتری با هشدار درمورد گسترش افسارگسیخته انباشت سرمایه، اضافه کرد: «دولت (به معنای عام) و بازار دست‌شان در جیب یکدیگر است. می‌توان دولت‌ها را درخصوص عدم گردش سرمایه با هم مقایسه کرد که بخش عظیمی از سرمایه‌شان در بخش خصوصی است، البته این به آن معنا نیست که اقتصاد باید دولتی شود. اینکه دولت تمناي مشارکت مردم در امور خیریه دارد و این تبدیل به وسیله و کمک‌حالی شده که عملاً از بازار حمایت کند، خیلی خطرناک است و اتفاقاً بی‌اخلاقی و بی‌مسئولیتی دولت را دوچندان کرده است.»

سیاست‌های نئولیبرالی و تخریب انسجام اجتماعی

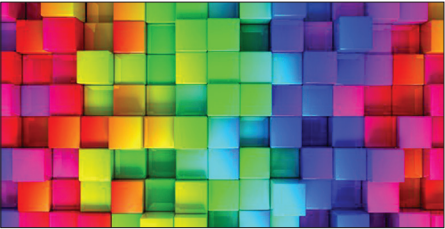
این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه دولت‌ها نسبت به بازار و سرمایه متعهد هستند نه مردم، ادامه داد: «اینکه تصور می‌کنند که وقتی سرمایه به بخش سرمایه‌دار برسد، به بخش‌های پایین‌سازیر می‌شود، در عمل چنین اتفاقی نمی‌افتد. اگر سیاست‌های نئولیبرالی تمام و کمال اجرا شود، چیزی از انسجام اجتماعی باقی نمی‌ماند. در این شرایط همه‌چیز قابل خرید و فروش می‌شود و جریمه‌ها افزایش می‌یابد، امری که بعد از جنگ شکل گرفت و از دوره آقای هاشمی شروع شد.» کلانتری با اشاره به استمرار اجرای سیاست‌های تعدیل در طول این سال‌ها گفت: «در کشور کثیف‌ترین مدل از نظام سرمایه‌داری را انتخاب کردیم تا زمانی که مدل سیاستگذاری ما همین باشد، تبعات اینچنینی در کشور کماکان ادامه خواهد داشت و باز هم خواهیم داشت و حتی بدتر از این هم خواهیم داشت، زیرا خیلی طبیعی است، باید توجه داشت این سیاستگذاری با توجه، سخنرانی اخلاقی، منبر و دلسوزی رفع و رجوع نمی‌شود.» این استاد دانشگاه در پایان با بیان اینکه سیاستگذاری کنونی در راستای تقویت سرمایه‌داری است، گفت:

«معافیت‌های مالیاتی و بخشودگی موقوفات مالی برای چه کسانی است، این ریل‌گذاری‌ها غلط است و دولت باید مسیر خودش را مشخص کند، چیزی که جزء آرمان‌های انقلاب نبوده است.»



فلسفه رنگ منتشر شد

کتاب «فلسفه رنگ» به قلم کاظم استادی در پنج جلد با عناوینی همچون هفت‌رنگ فلسفی، نظر به‌های فیلسوفان اسلامی درباره رنگ، بررسی نظر به‌های فلسفی معاصر درباره رنگ از سوی نشر ارزش‌مند منتشر شد. این کتاب، ترجمه مدخل «رنگ» از دانشنامه فلسفی استنفورد است که برای اولین‌بار به زبان فارسی، در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. این نوشتار، شامل تمامی نظر به‌های اصلی فیلسوفان معاصر غربی، پیرامون چستی رنگ است.



ما باید با کدام نوع از «باورمندی» در «جهانِ تکنولوژیکال» حضور یابیم؟

هرمنوتیک درماندگی

ارتباطاتی سفارش شده در کتاب مقدس آنهاست. یعنی تفکر بر خویش، بر هم نوع، بر آفاق و بر مافوق این سه. با این تفهیر، معرفت به‌خدا برای مسلمانان در گستر اصول است نه فروع. اما ایجاد حلقه‌هایی که نسبت به یکی از باورهای اساسی مسلمانان یعنی «تسلیم شدن» در برابر قوانین دینی تعریف شده است؛ گرچه ساختنی معنوی دارد اما به گونه‌ای ایجاد درماندگی می‌کند؛ درماندگی حاصل از دین صوفیانه شده همان بخش اصلی هرمنوتیک درماندگی است. به همین جهت است که اصول بیش از نیمی از صوفیان مسلمان هر از چندی خدمت‌هایی به نظام جبار عصر خود کرده یا سعی بر آن داشتند که پادشاه، سلطان، خاقان یا... را از طریق آیین اختصاصی خود وارد حلقه مریدپروری شان کنند.

نام بردن از نظام سیاسی جبار براساس معیارهایی است که در اصول آیین اسلام تبیین شده و نگارنده در ادامه شرح بحث درماندگی در ساحت جامعه‌شناختی عقیده، پای فراتر نهاده است. اگر قبول کنیم که اصول نظام سرمایه‌داری ریشه‌هایی معاصر دارد و نمی‌توان آن را نسبت به قرون ابتدایی اسلام سوق داد اما با تخفیف می‌توان گفت که خشونت‌ها، اصول مادی و نحوه بهره‌کشی از جامعه توسط حاکمان در قرون ابتدایی ترویج اسلام جزء مصادیق همین نظام سرمایه‌داری امروز شکل می‌گیرد؛ البته با درجه غلظت کمتر. با این حال پس از درک تمامی الگوهایی که در گرو تکنولوژی و ماهیت دین در عصر سرمایه‌داری است می‌توان نتیجه گرفت که درماندگی بشر با آشنایی او نسبت به محیط تکنولوژی بیشتر خواهد شد، این به معنای زدودن اصل نیاز بشر به تکنولوژی نیست. اما

عقب‌ماندگی اندیشه در ساحت دین و آن هم در کیده‌های بشرساخته‌ای چون عرفان‌های کاذب، روان‌شناختی و همچنین معنویت گرایی می‌تواند ساحت عقلانسی را از وی برباید. درماندگی اصلی زمانی ایجاد می‌شود که انسان نیمی از ذهن خود را به دست تکنولوژی و تیزاندیشی آن و نیم معنویت طلب را منحصر در گرو معنویت افراطی یا کاذب عرفان گونه یا صوفی مسلکانه قرار دهد و روزبه‌روز آن را در تاریکی خودخواسته‌ای قرار دهد که دهکده جهانی بدون در نظر گرفتن براساخت‌های فرهنگی هر جامعه به جهان ضمیمه ساخته است.

